

The principle of double effect and its applications in medical ethics

Alireza Valiasl¹

Mohsen Jahed²

Abstract

The principle of double effect, which history goes back to the time of Aquinas, one of the basic principles of ethics that has been taken by applied ethics seriously. This principle, a way to resolve moral conflicts in which an action has two effects: one good and one is bad. According to this principle, not a moral agent may never deliberately do bad act to achieve good results despite knowing this operation as well as unwanted bad results will follow. On ethics, various forms of this principle can be seen, for various reasons, and it brought a lot of bugs that have been entered. Applications of this principle can be used in medical ethics, applied ethics of peace and war and many other issues observed. In this paper, after defining and provide the conditions applying this principle, the pros and cons of it, its layout has been reviewed.

Keywords

Principle of Double Effect, Applied Ethics, Moral Conflicts, Intention, Medical Ethics

Please cite this article as: Valiasl A, Jahed M. The principle of double effect and its applications in medical ethics. *Iran J Bioethics* 2016; 6(19): 49-73.

1. Graduated M.Sc., Zanzan University of Moral Philosophy, Zanzan, Iran.
(Corresponding Author) Email:vali.dariya@yahoo.com

2. Associate Professor and faculty member of the Department of Philosophy, University of Zanzan, Zanzan, Iran.

Original Article Received: 20 February 2015 Accepted: 22 December 2015

اصل اثر دوگانه و کاربردهای آن در اخلاق پزشکی

علیرضا والی اصل^۱

محسن جاهد^۲

چکیده

اصل اثر دوگانه، که پیشینه تاریخی آن به زمان آکوئیناس برمی‌گردد، یکی از اصول اساسی در فلسفه اخلاق است که در اخلاق کاربردی مورد توجه جدی قرار گرفته است. این اصل، راه و روشی برای حل مشاجرات اخلاقی است که در آن‌ها یک عمل دو اثر - یا بیشتر - دارد که یکی از آن‌ها خوب و دیگری بد است. بر اساس این اصل، فاعل اخلاقی هیچ‌گاه مجاز نیست عامدانه عمل بدی را برای رسیدن به نتایج خوب انجام دهد، اما گاهی - مشروط به شرایطی - مجاز است که عمل خوبی را انجام دهد، علی‌رغم این‌که می‌داند این عمل نتایج بدی را نیز به صورت ناخواسته به دنبال خواهد داشت. در تاریخ فلسفه اخلاق صورت‌بندی‌های مختلفی از این اصل ارائه گردیده و استدلال‌های گوناگونی برای آن اقامه شده و نیز اشکالات فراوانی بر آن وارد شده است. کاربردهای این اصل را می‌توان در اخلاق پزشکی، اخلاق صلح و جنگ و بسیاری دیگر از مسائل اخلاق کاربردی مشاهده نمود. در این مقاله پس از تعریف و ارائه شرایط اعمال این اصل، دلایل موافقان و مخالفان آن، طرح و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

اصل اثر دوگانه، اخلاق کاربردی، تعارضات اخلاقی، قصد، اخلاق پزشکی

۱. کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: vali.dariya@yahoo.com

۲. دانشیار، دکترای فلسفه اسلامی و عضو هیأت‌علمی گروه فلسفه، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۱

مقدمه

هر کدام از ما ممکن است گاهی با تعارضات اخلاقی رو به رو شویم؛ تعارضاتی که عاملان اخلاقی را در مقام عمل حیران و سرگردان می‌کنند. بنابراین در این موقعیت‌ها نیازمند نظریه‌ای هستیم تا ما را در آن شرایط سخت و دشوار دستگیری نماید. هر کدام از نظریه‌های اخلاقی راهکارهایی برای خروج از بن‌بست در این موقعیت‌های بحرانی ارائه کرده‌اند. به هر حال، فارغ از این‌که نظریه‌های اخلاقی در این موارد چه راهکارهایی ارائه نموده‌اند، اخلاق کاربردی متضمن حل تعارضات اخلاقی در حوزه‌های مختلف زندگی بشری است؛ بشری که با پیشرفت روزافزون تکنولوژی و بهره‌گیری فراوان از آن، دچار مشکلات فراوانی نیز شده است. یکی از ابزارهای اخلاق کاربردی «اصل اثر دوگانه (The principle of double effect)» است که برای اولین بار توماس آکوئیناس در مسأله «کشتن مهاجم برای دفاع از خود (Killing in self-defense)» آن را مطرح نموده، اما تحت عنوان اصل اثر دوگانه به آن اشاره نکرده است. این اصل، راه و روشی برای حل مشاجرات اخلاقی است که در آن‌ها یک عمل دو اثر دارد که یکی از آن‌ها خوب و دیگری بد است. این اصل بر آن است که همیشه نادرست است که عمداً عمل بدی را انجام دهیم تا این‌که به واسطه آن نتایج خوبی را حاصل کنیم، اما گاهی مجاز است که عمل خوبی را انجام دهیم، علی‌رغم این‌که می‌دانیم نتایج بدی را نیز به طور ناخواسته به دنبال خواهد داشت. این اصل، نقش مهمی را در حل تعارضات اخلاقی زیستی خصوصاً در پنجاه سال گذشته بازی کرده است. در عین حال، عده‌ای آن را اعتقاد (Dogma)، عده‌ای نظریه، برخی اصل و برخی نیز قاعده خوانده‌اند و از این رو، توافق جامعی در مورد آن وجود ندارد. بنابراین به دلیل کارکردی که اصل اثر دوگانه در حوزه‌های مختلف اخلاق می‌تواند داشته باشد، در میان اصول اخلاقی از اهمیت بسیاری برخوردار است. ما در این مقاله طرحی کلی از آن ارائه خواهیم داد و تلاش خواهیم کرد ضمن ارائه تعریف و شرایط آن، به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- ۱- اصل اثر دوگانه از چه زمانی به صورت فرمول‌بندی مطرح شده و در ابتدا چه کارکردی داشته است؟
- ۲- اولین تقریر از اصل اثر دوگانه را چه کسی مطرح کرده و چه شرایطی برای آن در نظر گرفت؟

- ۳- چه استدلال‌هایی برای اصل اثر دوگانه ارائه شده است؟
- ۴- پس از مطرح‌شدن این اصل، چه انتقاداتی به آن وارد شده است؟
- ۵- کامل‌ترین بیانی که از اصل اثر دوگانه ارائه شده، کدام است؟
- ۶- اصل اثر دوگانه چه کارکردهایی می‌تواند داشته باشد؟

تاریخچه بحث

بشر همواره در افعال خود در پی هدفی بوده، به این معنی که او فعالیت‌های خود را به دنبال رسیدن به هدفی خاص برنامه‌ریزی می‌کرده است و از این‌که ممکن است در راه دستیابی به هدف مورد نظر، به خود یا دیگران آسیبی وارد نماید، آگاه بوده است؛ آسیب‌رسانی به دیگران اخلاقاً عملی ناپسند است، اما گاه تحت شرایطی خاص این عمل اخلاقاً مجاز محسوب می‌شود. اصل اثر دوگانه در واقع بیان‌کننده این شرایط خاص است.

به نظر می‌رسد نخستین کسی که بحث از اصل اثر دوگانه را به صورت نه کاملاً منسجم و به شکل امروزی آن، بلکه به صورتی کلی و اجمالی در نوشته‌های خود آورده، توماس آکوئیناس بوده است. او در مدخل کتاب «الهیات جامع» به این اصل پرداخته و آن را در مورد دفاع شخص از خود در برابر مهاجم به کار برد. آکوئیناس در این مورد، قتل مهاجم را، البته به شرطی که شخص کشتن مهاجم را قصد نکرده باشد، مجاز می‌داند (۱۶). آگوستین در مسأله دفاع از خود، بر این باور بود که انسان اخلاقاً مجاز نیست در دفاع از خود مهاجم را به قتل برساند، زیرا این کار نشان از ردیلتی اخلاقی در آدمی - یعنی خوددوستی مفرط - است (۱۶).

آکوئیناس بیان می‌کند که عمل دفاع از خود در برابر مهاجم ممکن است دو اثر داشته باشد: ۱- نجات زندگی شخص که به گمان آکوئیناس نتیجه خوب و مطلوب عمل است و او باید تنها با همین قصد به ضارب ضربه وارد کرده و در مقابل او ایستادگی کند؛ ۲- قتل مهاجم که در نتیجه دفاع شخص از خودش اتفاق می‌افتد و این نتیجه بد و نامطلوب عمل است. بنابراین این‌گونه به نظر می‌رسد که از نظر آکوئیناس مجازبودن قتل متجاوز در مورد دفاع از خود، بی‌قید و شرط نیست. به عبارت دیگر، اگر اقدام شخص در دفاع از خود، در جهت هدف - یعنی مقابله با مهاجم برای دفاع از خود - نبوده و شخص با قصد دیگری به ضارب ضربه وارد کند و علاوه بر آن، نیرویی که شخص به متجاوز وارد می‌کند متناسب با ضربه واردشده از سوی مهاجم نباشد،

قتل او غیر اخلاقی و نیز غیر قانونی خواهد بود. از آن پس، به دلیل کارکردی که اصل اثر دوگانه می‌توانست در موقعیت‌های مختلف فعالیت‌های انسانی داشته باشد، از منظرهای مختلف به آن پرداخته شده است. از این رو حکیمان اسکولاستیک در قرن شانزدهم و هفدهم آن را توسعه دادند، اما اصل اثر دوگانه به صورت فرمول‌بندی شده در قرن نوزدهم در کتاب «Compendium Theologiae Moralis» اثر J.P. Gure آمده است و در سال‌های اخیر نیز توسط کلیسای کاتولیک به کار گرفته شده است (۱۴)، اما علی‌رغم استقبال و جانب‌داری بسیاری از اندیشمندان اخلاقی از اصل اثر دوگانه، عده‌ای به مخالفت با آن پرداخته و از منظرهای مختلف آن را مورد نقد قرار داده‌اند.

نظریات گوناگون در مورد اثر دوگانه

اصل اثر دوگانه به جهت این که در حوزه‌های مختلف زندگی بشری نقش مهمی را ایفا کرده و قادر است در تصمیم‌گیری‌های مختلف عاملان اخلاقی را یاری کند، در آثار فلسفی، الهیاتی، اخلاق زیستی و... به شدت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در خصوص این اصل نظریات مختلفی مطرح شده است که می‌توان آن‌ها را در سه دیدگاه متفاوت جای داد:

۱- پذیرش مطلق

برخی تلاش کرده‌اند اصل اثر دوگانه را به عنوان مادر اخلاق معرفی کنند؛ به این معنی که آن‌ها معتقدند می‌توان تمام احکام اخلاقی را از آن مشتق کرد (۷). از این منظر انکار آن به منزله انکار تمام اخلاق و مخالفت با آن نهایت بی‌اخلاقی است.

۲- انکار مطلق

در مقابل کسانی که اصل اثر دوگانه را پذیرفته و به شدت از آن جانب‌داری می‌کنند، کسانی هستند که معتقدند اصل اثر دوگانه مشتمل بر بسیاری از تناقضات و ناسازگاری‌هاست و از نظر آنان ارائه‌کنندگان اصل اثر دوگانه، به تعمق کافی در آن نپرداخته‌اند. بنابراین از اصل اثر دوگانه تحت عنوان نظریه مرده (Dead Idea) یاد کرده‌اند که هیچ کارایی نداشته و به عقیده آنان نیازی به استدلال آوردن علیه آن نیست. به عبارت دیگر از نظر آن‌ها «اسب نفس بریده را طاق‌ت تازیانه نیست» (۴).

۳- دیدگاه میانه

نظریات مطرح شده به نظر می‌رسد افراطی بوده و هیچ گونه عقیده‌ای را علیه خود بر نمی‌تابند، اما گروهی نیز در مواجهه با این اصل از خود انعطاف نشان داده و معتقدند اصل اثر دوگانه مشتمل بر برخی بنیان‌های حقیقت است. بنابراین تلاش نمودند برای دفاع از حقیقت و محافظت از آن، در اصل اثر دوگانه تجدید نظر کرده و به اصلاح آن بپردازند (۹، ۱۲).

اصل اثر دوگانه، تعریف و شرایط آن

مفاد اصل اثر دوگانه آن است که پاره‌ای از افعال، دارای دو اثر خوب و بداند و فاعل اخلاقی در چنین افعالی مجاز است برای رسیدن به اثر خوب فعل آن را انجام دهد؛ در صورتی که اثر بد که اثر جانبی فعل است مد نظر و مورد خواست وی نباشد (۵). به بیان دیگر، اصل اثر دوگانه به دو نوع پیامدی اشاره می‌کند که ممکن است حاصل یک اقدام واحد باشد. برای روشن شدن مطلب پس از بیان شرایط طرح شده برای اصل اثر دوگانه، به چند نمونه اشاره خواهیم کرد. همانطوری که در نمونه‌ها خواهیم دید، اصل اثر دوگانه بر محور «قصد (Intention)» می‌چرخد و قضاوت آن در مورد مجاز یا غیر مجاز بودن اعمال انسانی، بر اساس قصد می‌باشد. بر همین اساس، برای اصل اثر دوگانه شرایطی در نظر گرفته شده است (۶). در تقریر سنتی اصل اثر دوگانه که توسط منگان (Mangan) مطرح شده است، چهار شرط بیان شده که بر اساس آن‌ها عامل اخلاقی مجاز است فعلی را که اثرات جانبی بد و ناخواسته‌ای به همراه دارد، انجام دهد (۱۳، ۱۶).

۱- عمل به خودی خود خوب و یا حداقل مباح باشد؛

۲- عامل اخلاقی اثر خوب و نه اثر بد را قصد کرده باشد. به این معنا که فاعل باید اثر خوب را قصد کرده و اثر بد را از سر ناچاری پذیرفته باشد، یعنی اگر شرایطی فراهم شود که او اثر خوب را بدون اثر بد به دست آورد، باید چنین کند؛

۳- اثر خوب حاصل اثر بد نباشد. به این معنی که اثر خوب باید مستقیماً برآیند همین فعل باشد نه حاصل اثر بد! در غیر این صورت، عامل از ابزار بد برای اثر خوب بهره گرفته است که مجاز به این کار نیست؛

۴- اثر خوب باید به قدر کافی مطلوب باشد و اثراتی خوب داشته باشد که بدی اثر بد را جبران نماید. به عبارت دیگر، باید دلیل محکمی برای اجازه دادن به اثر بد وجود داشته باشد. معنای این شرط آن است که اثر خوب و اثر بد، کم و بیش از اهمیت یکسانی برخوردار باشند (۳).
شرط چهارم که شرط تناسب نامیده شده، مهم ترین شرط در میان شروط چهارگانه است و معمولاً اندازه آسیبی را که با مقدار فایده حاصل شده جبران می شود، تعیین می کند. اکنون که شرایط اصل اثر دوگانه بیان شد، لازم است برای روشن شدن مطلب به مواردی که در آن ها اصل اثر دوگانه به کار گرفته می شود، اشاره کنیم.

۱- بیماری در حال مرگ است و درد و رنج بسیار شدیدی را تحمل می کند. او با گریه و التماس از پزشک خود درخواست می کند تا برای تسکین دردش چاره ای بیندیشد. پزشک، نگران و مضطرب از وضعیتی که پیش آمده است، می داند تنها راهی که در این شرایط وجود دارد، تزریق میزانی از مرفین است که در اثر آن، احتمال تسریع مرگ بیمار وجود خواهد داشت. در این وضعیت بحرانی که پزشک در آن قرار دارد، چه باید کرد؟ بر اساس اصل اثر دوگانه پزشک مجاز است که درد بیمار را تسکین دهد و عمل تزریق مرفین را انجام دهد، هر چند تسریع مرگ بیمار را به عنوان اثر جانبی عمل تزریق مرفین که با قصد تسکین درد انجام گرفته است، تنها پیش بینی کرده است. بنابراین مطابق اصل اثر دوگانه چون تمام شرایط چهارگانه در این مورد موجود است، عمل او مجاز خواهد بود (۱۵)؛

۲- در صورتی که حفظ جان مادر نیازمند عمل جراحی ای باشد که منجر به سقط جنین می شود، فعل پزشک دو اثر خواد داشت: نجات جان مادر و مرگ جنین. در چنین شرایطی عمل جراحی اخلاقاً مجاز است، زیرا پزشک قصد نجات جان مادر را دارد که عملی اخلاقاً پسندیده است (شرط اول) و قصدش کشتن جنین نیست (شرط دوم) و نجات جان مادر نتیجه مستقیم کشتن جنین نیست (شرط سوم) و تناسب نیز برقرار است، یعنی جان مادر و جنین از اهمیت تقریباً یکسانی برخوردارند (شرط چهارم) (۱۳)؛

۳- دو کشور با همدیگر در حال جنگ هستند. یک طرف برای تضعیف روحیه دشمن، منطقه ای از طرف مقابل را بمباران می کند و با این فعل موجب مرگ تعداد زیادی از شهروندان و غیر نظامیان خواهد شد. بر اساس اصل اثر دوگانه این فعل غیر مجاز خواهد بود، زیرا فعل او شرایط اول تا سوم از شرایط چهارگانه مذکور را نقض می کند (۸)؛

۴- اگر شرایط بحرانی جنگ میان دو کشور مذکور وجود داشته باشد و یک طرف، تجهیزات نظامی طرف مقابل را هدف گرفته و بمباران کند، اما در عین حال می‌داند که ممکن است علاوه بر از بین بردن تجهیزات نظامی دشمن، تعداد زیادی از شهروندان و غیر نظامیان دشمن کشته شوند، مطابق اصل اثر دوگانه آیا چنین فعلی مجاز است؟ بر اساس این اصل، چنین فعلی مجاز خواهد بود، زیرا قصد عاملان از بمباران، مرگ شهروندان نبوده و آنان مرگ شهروندان را، به عنوان اثر جانبی عمل بمباران تجهیزات نظامی دشمن، تنها پیش‌بینی کرده‌اند. بنابراین هیچ کدام از شرایط چهارگانه را نقض نمی‌کنند (۸)، البته شرط چهارم، یعنی شرط تناسب باید لحاظ شود، به این معنا که مزایای بمباران تجهیزات دشمن با خسارات وارده به غیر نظامیان تناسب داشته باشد.

استدلال‌های مطرح‌شده به نفع اصل اثر دوگانه

۱- استدلال از راه مطلق‌گرایی

اولین استدلالی که از سوی حامیان اصل اثر دوگانه ارائه شده است «استدلال از راه مطلق‌گرایی (The argument from absolutism)» است. ما به طور شهودی درمی‌یابیم اعمالی وجود دارند که فی نفسه نادرست هستند، فارغ از نتایجی که ممکن است در پی داشته باشند؛ این عقیده نوعاً مطلق‌گرایی نامیده شده است. تقریرهای مختلفی از مطلق‌گرایی وجود دارد، اما آن تقریری که از آن برای استدلال به نفع اصل اثر دوگانه استفاده شده، این است که برخی از اعمال وجود دارند که مطلقاً بد هستند و در هیچ شرایطی حکم به جواز آن‌ها داده نمی‌شود؛ به عنوان مثال، قتل انسان بی‌گناه نادرست است و چنین فعلی نباید انجام شود، اما در این راه مشکلاتی برای مطلق‌گرایی وجود دارد. نیگل می‌گوید اگر ممنوعیت مطلق برای به بار آوردن مرگ یک انسان بی‌گناه - به هر شیوه‌ای - وجود داشته باشد، آنگاه موقعیت‌هایی وجود دارد که در آن‌ها همه گزینه‌های ممکن برای فاعل اخلاقی در عمل نادرست خواهد بود، زیرا مواردی وجود دارد که در همه آن‌ها مرگ انسان بی‌گناه نتیجه می‌شود (۷). به عنوان مثال، هنگامی که داروی موجود تنها برای یک نفر کافی است، در حالی که دو نفر با شرایط یکسان به این دارو نیاز دارند، در هر صورت فعل فاعل اخلاقی به قتل یک انسان بی‌گناه منجر می‌شود. اگر چاره‌ای برای اشکال نیگل اندیشیده نشود، باید از مطلق‌گرایی اخلاقی دست کشید. حامیان مطلق‌گرایی

معتقدند می‌توان با محدود کردن دامنه حکم مطلق، آن را از نقد نیگل مصون داشت. آن‌ها حکم مطلق را با توسل به اصل اثر دوگانه محدود می‌کنند. بر اساس این اصل، هنگامی که شخصی دارویی را به شخص دیگری می‌دهد، مرگ دیگری نه ابزار اوست و نه هدف او، بلکه اثری جانبی است که بر هدف او مترتب شده است و بر اساس اصل اثر دوگانه لازم نیست فاعل اخلاقی از هر عملی که به طور احتمالی - و نه ضروری - منجر به مرگ انسان دیگری می‌شود، اجتناب نماید. همه آن چیزی که فاعل لازم است انجام دهد، این است که باید از مرگ مستقیم قصد شده اجتناب نماید (۸). بنابراین یکی از انگیزه‌های پذیرش اصل اثر دوگانه، میل به حفظ برخی از اشکال مطلق‌گرایی است، با درک این موضوع که دامنه حوزه ممنوعیت مطلق‌گرایی باید برای اجتناب از مشکلاتی که برای این نظریه پیش آمده است، محدود شود. همانطور که ملاحظه شد استدلال فوق مبتنی بر پذیرش مطلق‌گرایی اخلاقی است. چنانچه مطلق‌گرایی اخلاقی پذیرفته نشود این استدلال نیز فرو خواهد ریخت.

۲- استدلال از راه معقول بودن تمایز عمل / نتیجه

دومین استدلالی که برای اصل اثر دوگانه ارائه شده، «استدلال از راه تمایز عمل / نتیجه (Argument from the act/consequence distinction)» است. این استدلال در جاهای دیگری نیز با نام تمایز میان مستقیم/ غیر مستقیم (Direct/indirect distinction) بیان شده و در جای دیگری (۱۵)، هرچند نه کاملاً مطابق با آن، تحت عنوان «تمایز میان نتایج قصد شده و نتایج صرفاً پیش‌بینی شده (Distinguishing the intended consequence from the foreseen consequence)» ارائه شده است.

حامیان اصل اثر دوگانه معتقدند ما باید میان انجام یک عمل و نیز نتیجه‌ای که از عمل حاصل شده است، تمایز بگذاریم، بدین معنی که وقتی عاملی فعلی را انجام می‌دهد و تعدادی از رویدادها به عنوان نتیجه عمل او اتفاق می‌افتند، برخی از این رویدادها چیزهایی هستند که عامل انجام می‌دهد و تعدادی از آن‌ها صرفاً نتایج عمل او هستند. این تمایز معمولاً بر مبنای نیت و قصد فاعل اخلاقی است؛ رویدادهایی که قصد شده‌اند «فعل» فاعل اخلاقی محسوب شده و آن رویدادهایی که قصد نشده‌اند، تنها «نتیجه» عمل هستند. با این توضیحات می‌توان استدلال دوم را به صورت زیر صورت‌بندی کرد:

۱- میان فعل و نتیجه فعل تمایز وجود دارد؛

۲- تمایز میان فعل و نتیجه فعل اخلاقاً مهم است؛

۳- نتایج را باید بر اساس دلایل متناسب ارزیابی کرد (این بند همان شرط چهارم اصل اثر دوگانه است)؛

۴- راه تمایز میان فعل و نتایج فعل، نیت و قصد فاعل است؛

۵- (نتیجه) اصل اثر دوگانه اثبات می‌شود.

با بررسی مقدمات ۱ تا ۴ و توجه به مفاد هر یک از آن‌ها آشکار می‌شود که آن‌ها چیزی جز مفاد اصل اثر دوگانه بیان نمی‌کنند.

به عنوان مثال، فرض کنید عاملی انگشتش را بر روی ماشه حرکت می‌دهد و به موجب آن گلوله‌ای از اسلحه شلیک می‌شود. در نتیجه این عمل، انسانی کشته شده و فرزند کوچک قربانی در حالی که ترسیده و از صحنه فرار می‌کند، به طرف خیابان دویده و در این میان، با برخورد به یک ماشین کشته می‌شود. اگر این حوادث را تحلیل نماییم، با توجه به معیار قصد، عامل تنها قاتل آن شخصی است که قصد کرده او را بکشد، اما او موجب مرگ کودک قربانی نشده است، زیرا او این وضعیت را قصد نکرده و این تنها نتیجه‌ای بود که از عمل او به دست آمده است. بنابراین قصد در اینجا به معنی قصد مستقیم شخص بوده و قصد غیر مستقیم نتیجه عمل شخص است. از این رو عمل یک چیز است و نتیجه عمل چیز دیگر. اگر من شخص «الف» را تشویق کنم که شخص «ب» را بکشد، و شخص «الف» این کار را انجام دهد، من شخص «ب» را نکشته‌ام و مرگ او تنها نتیجه عمل من است، حتی اگر مرگ شخص «الف» هدف من بوده باشد، زیرا تشویق کسی برای انجام فعل X به معنای انجام فعل X نیست (۸). بنابراین اصل اثر دوگانه با این تمایز بسیاری از مشکلات را در این زمینه حل می‌کند. هنگامی که شخصی مبادرت به بمباران اهداف نظامی دشمن می‌کند و در کنار آن غیر نظامیان را نیز می‌کشد، قضاوت در مورد عمل او بستگی به قصد او و ابزار انتخاب شده او دارد. اگر او مستقیماً می‌خواهد که تنها مرگ نظامیان را موجب شود، مرگ شهروندان نتیجه عمل اوست، اما اگر او قصد دارد مستقیماً موجب مرگ هر دوی آن‌ها شود، هم مرتکب مرگ شهروندان و هم مرتکب مرگ نظامیان شده است.

انتقادات مطرح شده بر اصل اثر دوگانه

علیرغم استدلال‌هایی که اندیشمندان برای دفاع از اصل اثر دوگانه ارائه کرده‌اند، نقدهای زیادی به اصل اثر دوگانه وارد شده است که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱- اهمیت نداشتن تمایز میان نتایج قصدشده و نتایج صرفاً پیش‌بینی‌شده

اولین نقدی که بر اصل اثر دوگانه وارد شده است، تمایز میان «نتایج قصدشده» (Intended Consequences) و «نتایج صرفاً پیش‌بینی‌شده» (Simply foreseen consequences) را نشانه گرفته است و ادعا می‌کند که نگرش‌ها، انگیزه‌ها و قصدهای فاعل اخلاقی، عوامل مهمی در تعیین مجاز بودن جریان عمل نیستند (۵). این نقد از سوی نتیجه‌گرایان بر اصل اثر دوگانه وارد شده است؛ نتیجه‌گرایانی که برای قضاوت در مورد درستی یا نادرستی عمل تنها به نتایجی که عمل به بار می‌آورد، توجه کرده و از نظر آن‌ها هیچ چیز دیگری جز نتیجه نمی‌تواند در مجاز یا غیر مجاز بودن عمل دخیل باشد (۱۱). واضح است که اگر مجاز بودن یا مجاز نبودن عملی تنها وابسته به نتایج عمل باشد و یا تنها وابسته به نتایج پیش‌بینی‌شده عمل و یا نتایج قابل پیش‌بینی عمل باشد، آنگاه تمایزی که اصل اثر دوگانه بر آن تأکید می‌کند اهمیت اخلاقی خود را از دست خواهد داد (۶).

۲- ناکارآمدی اصل اثر دوگانه در تبیین شهادهای اخلاقی

این گروه از منتقدان از مفروضات نتیجه‌گرایانه در مورد تمایز میان «نتایج قصدشده» و «نتایج صرفاً پیش‌بینی‌شده» برای نقد اصل اثر دوگانه استفاده نمی‌کنند، بلکه در عوض می‌پرسند که آیا اصل اثر دوگانه شهادهای اخلاقی را آن‌گونه که باید تبیین می‌کند؟ از نظر آن‌ها مواردی وجود دارد که اصل اثر دوگانه با شرایط چهارگانه‌ای که دارد، برخی از افعالی را که با شهادهای اخلاقی ما ناسازگارند، مجاز می‌داند (۱۰). مخالفان برای بیان این اشکال و تأکید بر آن، دو مثال نقضی که آن‌ها را تحت عنوان مثال «تحقیر» (Humiliation) و مثال «فانونگذار» (Legislator) نامگذاری کرده‌اند، مطرح می‌کنند (۸). این مورد را در بند ۷-۵ با تفصیل مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳- دشواری تمایز میان آسیب‌های حاصل از اثر جانبی و آسیب‌های حاصل از هدف

قصدشده

نقد دیگری که به اصل اثر دوگانه وارد شده، این است که تمایز میان آسیب‌های مخربی که به عنوان هدف فاعل قصد شده‌اند و نیز آسیب‌هایی که به عنوان اثر جانبی هدف فاعل صرفاً

پیش‌بینی شده‌اند، دشوار است (۶). ما از کجا بدانیم فاعل کدام یک از آسیب‌ها را قصد کرده و کدام یک را به عنوان اثر جانبی فعل خود در نظر گرفته است تا در مورد مجاز یا غیر مجاز آن حکم صادر کنیم؟ از نظر این مخالفان، از آن جایی که اصل اثر دوگانه بیان می‌کند آسیب‌های جانبی عمل - حتی در جایی که آسیب‌های قصده شده فاعل مجاز نیستند - ممکن است مجاز باشد، لذا کسانی که می‌خواهند اصل اثر دوگانه را به کار بگیرند، باید زمینه‌های اصولی برای طراحی این تمایز فراهم نمایند. این گروه، برای تأیید گفته‌های خود به دو مورد زیر استناد جسته‌اند و معتقدند در این دو مورد و موارد مشابه نمی‌توان نیت و قصد فاعل را تشخیص داد:

۱- انجام هیستروتومی بر روی زن باردار؛ ۲- انجام سقط جنین برای نجات مادر (۶).

در تبیین دیدگاه این منتقدان باید به این نکته توجه داشت که تمایزی که در این اشکال مطرح شده است، به نظر می‌رسد دو حالت دارد؛ قصد و نیت معیاری برای خود فاعل اخلاقی است و در حالت دوم معیاری برای ناظران اخلاقی است. در حالت اول اشکال وارد نیست، زیرا خود فاعل اخلاقی می‌داند چه چیزی را قصد کرده و چه چیزی را پیش‌بینی کرده است، اما در حالت دوم اشکال بر اصل اثر دوگانه وارد است، زیرا ناظران باید بدانند که فاعل اخلاقی در واقع چه چیزی را قصد کرده است تا در مورد درستی یا نادرستی عمل او قضاوت کنند.

۴- ناکافی بودن اصل اثر دوگانه در تبیین چرایی مجازبودن برخی از نتایج

بر اساس این اشکال، اصل اثر دوگانه فی حد ذاته قادر نیست معیاری واحد برای تبیین مجازبودن «نتایج قصدشده» و غیر مجازبودن «نتایج صرفاً پیش‌بینی‌شده، ولی قصدنشده» ارائه دهد. از نظر این مخالفان، اگر تمایزی در این میان می‌بینیم، نتیجه عواملی بیرون از اصل اثر دوگانه است و تمایز مذکور هیچ ارتباطی به اصل اثر دوگانه ندارد. آن‌ها می‌گویند اصل اثر دوگانه این تمایز را میان دو نتیجه نگذاشته است، بلکه تمایز مذکور محصول ملاحظات اخلاقی دیگری است که از قضاوت‌های هنجاری ما تأثیر پذیرفته‌اند (۱۰). بنابراین این بحث پرسش‌هایی را به میان آورده است راجع به این‌که آیا اصل اثر دوگانه با تمایزی که مدعی است از سوی آن مطرح شده است، قادر است اساسی بی‌طرف برای قضاوت‌های اخلاقی مهیا کند؟ از این رو این مدعا که قضاوت‌های راجع به مجازبودن اخلاقی عملی، ممکن است در توصیف یک نتیجه بد - به عنوان نتیجه صرفاً پیش‌بینی‌شده - بر ما تأثیر بگذارد، ارزش توصیفی اصل اثر دوگانه را زیر سؤال برده است.

۵- مبتنی بودن فهم تناسب بر عوامل بیرونی نه خود این اصل

این اشکال، شرط چهارم از شروط چهارگانه مطرح شده را هدف قرار داده است. از نظر اصل اثر دوگانه، بمباران استراتژیک، به شرط این که متناسب باشد، مجاز است. منتقدان ادعا می کنند که این حکم - در مورد بمباران استراتژیک - نیازمند بررسی بیشتر است. این گروه از مخالفان اصل اثر دوگانه، بر این باورند که بسیاری از ملاحظات مربوط به این که چه مقداری از آسیب نباید به غیر نظامیان وارد شود، مبتنی بر قضاوت‌هایی است که خارج از محدوده اصل اثر دوگانه قرار دارند. به عبارت دیگر، اصل اثر دوگانه در اینجا هیچ گونه حرفی برای گفتن نداشته و ناکارآمد است. به عنوان مثال برخی از قوانین حقوق بشر که در وبسایت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آمده، حمله به غیر نظامیان را ممنوع کرده است. این قوانین همچنین تأکید کرده‌اند تا جایی که امکان پذیر است غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی را از مجاورت اهداف نظامی هر یک از طرفین درگیر دور کنند و همه اقدامات احتیاطی عملی برای جلوگیری از وارد آمدن آسیب به غیر نظامیان و اشیای غیر نظامی، باید انجام شود. از این رو این ملاحظات نشان می‌دهند که اصل اثر دوگانه حتی هنگامی که اصل تناسب به عنوان بخشی از محتوای آن به حساب می‌آید، دربرگیرنده یک شرط کافی در مورد مجاز بودن بمبارانی که غیر نظامیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نیست (۱۰).

۶- ضعف تبیین‌گری اصل اثر دوگانه

عده‌ای دیگر معتقدند اصل اثر دوگانه برای ما توجیه نمی‌کند که بر چه اساسی ما باید موجب آسیب خاصی شویم. از نظر آن‌ها، به طور کامل روشن نیست که همه نمونه‌هایی که در آن‌ها اصل اثر دوگانه به کار گرفته شده تا آن‌ها را تبیین کند، با یک اصل واحد تبیین شوند. بنابراین به اعتقاد آن‌ها ما با یک اصل واحد که در تمام موارد بتواند از پس مشکلاتمان برآید، رو به رو نیستیم، بلکه حامیان اصل اثر دوگانه، تعدادی از نمونه‌هایی را که به عنوان کاربردهای اصل اثر دوگانه ذکر شده‌اند و هر یک از آن‌ها برای ممنوعیت کلی در موجب شدن مرگ انسان استثناست، برای تبیین اصل اثر دوگانه به کار می‌گیرند (۱۰). به بیان دیگر حامیان اصل اثر دوگانه از یک استقرا حکم کلی و مطلق صادر کرده‌اند که این امر نادرست و نامعقول است. به طور خلاصه، از نظر این گروه از مخالفان، اصل اثر دوگانه خاصیت تبیین‌گری مستقل نداشته و یا اساساً قدرت تبیینی ندارد.

۷- مربوط بودن اصل اثر دوگانه به ارزیابی فضیلت مدار عامل

اصل اثر دوگانه معتقد است هدف بد موجب می‌شود که عمل نادرست باشد. دو مورد از نمونه‌هایی را که برای نشان دادن اصل اثر دوگانه و حمایت از آن طراحی شده‌اند از نظر خواهیم گذراند. همانطوری که خواهیم دید، از همین نمونه‌ها برای حمله به اصل اثر دوگانه نیز استفاده شده است.

فرض کنید مردی به خاطر مارگزیدگی در حال مردن است و اگر بخواهد زنده بماند، باید فوراً درمان شود. این شرایط را نیز در نظر بگیریم که تنها یک پزشک در دسترس است و هر گونه تلاشی برای پیدا کردن پزشکی دیگر بی‌فایده است. پزشک مذکور پادزهری دارد که اگر به سرعت به بیمار تزریق شود برای درمان بیمار مؤثر خواهد بود، اما در این راه مشکلی وجود دارد و آن این است که پزشک مذکور و پدر بیمار دشمن سرسخت همدیگرند و پدر بیمار سوگند خورده است که هیچ‌گونه کمکی را از طرف پزشک و خانواده‌اش قبول نخواهد کرد. بر اساس اصل اثر دوگانه، این‌که آیا درمان بیمار توسط پزشک در این شرایط مجاز است یا نه، نه تنها به این بستگی دارد که بیمار بدون درمان خواهد مرد، بلکه بستگی به هدف پزشک در عمل نیز دارد. به این صورت که اگر پزشک بیمار را درمان کند و در آن خیر بیمار را بخواهد و نیز از تحقیری که پدر بیمار از آن رنج می‌برد، پشیمان است، عمل او درست است، اما در صورتی که پزشک از مرگ بیمار خوشحال خواهد بود و تنها به این خاطر او را درمان می‌کند که پدر بیمار را تحقیر کند، عمل او نادرست است و نباید او را درمان می‌کرد (۸).

اما از نظر برخی این نتیجه که بر اساس اصل اثر دوگانه گرفته شده، نادرست است. درمان بیمار مجاز و حتی واجب است، بدون توجه به هدف پزشک. اگر هدف پزشک از درمان تحقیر باشد، این به خود پزشک برمی‌گردد و نه به درستی عمل او. هدف واقعی پزشک هر چه باشد، وظیفه او کمک به بیمار است. بنابراین کمک به بیمار به منظور تحقیر پدرش، مورد واضحی است از «نه انجام دادن کارهای نادرست، بلکه انجام کار درست به خاطر دلیل نادرست!» بنابراین در حالی که اصل اثر دوگانه در این مورد، بین هدف و درمان رابطه‌ای مستقیم برقرار می‌کند - به این معنی که بدی هدف، درمان را نادرست می‌سازد - این مخالفان معتقدند که درمان باید به عنوان فعلی خوب ارزیابی شود و پزشک و هدفش باید، تا اندازه‌ای به عنوان فاعلی بد و هدفی

بد مورد ارزیابی قرار گیرند (۸). به عبارت دیگر اختلاف این گروه از مخالفان اصل اثر دوگانه، بر سر بدی هدف پزشک نیست، بلکه در نحوه ارزیابی‌هایی است که از عمل او می‌شود.

اگر بخواهیم شهودهایمان را در این مورد به کار بگیریم، تفاوتی اساسی در نتایج ارزیابی‌هایی که در این مورد انجام گرفته است، مشاهده خواهیم کرد. در چنین مواردی بر اساس اصل اثر دوگانه توصیه این است که عامل عمل را انجام ندهد، اما بر اساس ارزیابی مخالفان، عمل باید انجام شود و توصیه این است که عامل خودش را اصلاح کرده و از بدی خود دست بردارد. علاوه بر آن، با رجوع به شهودهای خود در مورد پزشک، قدری متأسف می‌شویم و شاید به او گوشزد کنیم که تنها به درمان بیمار خود فکر کند، اما به او توصیه نمی‌کنیم که از درمان بیمار در حال مرگ دست بردارد تا افکار خود را اصلاح نماید (۸).

مثال نقض دوم که در آن اصل اثر دوگانه زیر سؤال رفته است، مثال قانونگذار است. فرض کنید قانونگذاری قانونی را که برای جامعه مفید است تصویب می‌کند با آگاهی از این که این قانون ممکن است فرصتی را برای فساد و باج‌خواهی از متخلفان فراهم کند. فرض کنید که این قانون، در میان قوانین مشابه، حتی با این فرض که باج‌خواهی و فساد را نتیجه می‌دهد، بهترین قانون در دسترس برای جامعه است و جایگزینی برای آن وجود ندارد. اصل اثر دوگانه با تصویب این قانون به دلیل تناسب (شرط چهارم اصل اثر دوگانه)، موافق است، زیرا بدی‌های باج‌خواهی و فساد، مطلوب و خواسته قانونگذار نبوده و به صورتی عارضی و ناخواسته حاصل می‌شوند، از همین روی اگر این شرور مطلوب و خواسته قانونگذار بودند، اصل اثر دوگانه قضاوت می‌کرد که این عمل نادرست است. منتقدان این توصیه و ارزیابی اصل اثر دوگانه را نادرست دانسته و نادرستی آن را در قالب مثال زیر نشان داده‌اند. فرض کنید قانونگذار، نگران رفاه جامعه خود نیست و تا حدودی به کارهای فاسد دست می‌زند و اتفاقاً قانون مذکور را به همین دلیل که به سود خودش است، تصویب کرده است، اما با این حال بهترین قانون است و حتی لازم است که تصویب شود. بنابراین تصویب این قانون توسط قانونگذار نیز مورد واضحی است از «نه انجام دادن کارهای نادرست، بلکه انجام کار درست به خاطر دلیل نادرست». آنچه در مثال پزشک بیان شد، در این مورد نیز صادق است. از این رو با توجه با مثال‌های بیان‌شده، باید این مدعا را که معتقد است داشتن هدف بد از سوی عامل برای این که عملی را نادرست بدانیم کافی است، کنار بگذاریم (۹).

به دنبال مثال‌های نقض مطرح‌شده این گروه از مخالفان تمایزی را قائل می‌شوند که تحت عنوان «ارزیابی صحت‌مدار اعمال (Rightness-Evaluations of Act)» و «ارزیابی فضیلت‌مدار عامل (Virtue-Evaluations of Agent)» توصیف شده است. برای بیان این تمایز، ابتدا لازم است اصلی را که از آن به عنوان «اصل پذیرش (The Embracing Principle)» یاد شده است، بیان کنیم. این اصل پایه و اساس اصل اثر دوگانه است و بیان می‌کند که درستی عملی که برخی نتایج بد به بار می‌آورد، بستگی به این دارد که آیا نتیجه بد توسط عامل پذیرفته شده است یا نه، یعنی اهمیت اخلاقی ارتباط میان نتیجه بد و اراده فاعل، نوعی از دوری و نزدیکی است. بدین معنی که، به بار آوردن نتیجه بد مجاز است اگر عامل، خود را از آن دور کند و غیر مجاز است اگر عامل آن را به سمت خود بکشد و آن را بپذیرد (۸). این تعریف می‌تواند بیانی دیگر از تمایز مستقیم/ غیر مستقیم باشد که پیش از این به آن اشاره شده است. بسیاری از تقریرهای اصل اثر دوگانه مبتنی بر اصل پذیرش هستند و به اعتقاد مخالفان اثر دوگانه، اصل پذیرش در ارتباط با ارزیابی فضیلت‌مدار عامل است نه ارزیابی صحت‌مدار عمل! این مخالفان اگرچه ادعان می‌کنند که نتوانسته‌اند این ادعا را اثبات نمایند، اما از نظر آن‌ها در مثال‌های نقض مطرح‌شده، این امر به وضوح نمایان است. همانطوری که دیدیم، مطابق با شهودهای ما برای پزشک درست است که بیمارش را درمان کند و برای قانونگذار نیز درست است که قانون را تصویب کند، حتی هنگامی که این اعمال از روی نیتی شرورانه و نادرست انجام شده باشند، حال آن که مطابق اصل اثر دوگانه این اعمال، هنگامی که به خاطر اهداف بد انجام شده باشند نادرستند. بنابراین اصل اثر دوگانه پذیرش شر را به درستی و نادرستی عمل ربط می‌دهد، در حالی که اصل پذیرش تنها مربوط به ارزیابی فضیلت‌مدار عامل است و نمی‌تواند در این که عمل درست باشد و یا نادرست، تأثیری داشته باشد. از این رو این گروه از مخالفان فکر می‌کنند که اصل اثر دوگانه را می‌توان اصلی نامید که برای ارزیابی فضیلت‌مدار عامل کارایی دارد و در مورد ارزیابی صحت‌مدار عمل معقول نبوده و قابل دفاع نخواهد بود (۸).

این موارد نمونه‌هایی از مهم‌ترین نقدهایی بود که از سوی مخالفان، بر اصل اثر دوگانه وارد شده است، اما از نظر حامیان این اصل، این نقدها یا به دلیل تفسیرهای نادرستی بود که از اصل اثر دوگانه شده است و یا به دلیل سوء استعمال‌هایی بوده که در طول تاریخ از اصل اثر دوگانه

انجام گرفته است (۱۵). بنابراین برخی سعی نمودند اصلاحاتی در این اصل انجام دهند تا از سوء استفاده‌های احتمالی از آن جلوگیری نمایند.

صورت‌بندی جدید از اصل اثر دوگانه

در صورت‌بندی سنتی که از اثر دوگانه ارائه شده است، چهار شرط وجود داشت که اجمالاً آن‌ها را از نظر گذرانندیم، اما همانطور که پیش از این گفته شد، برای پیشگیری از سوء استعمال‌های احتمالی و همچنین دفع اشکالات واردشده، صورت‌بندی جدیدی از اصل اثر دوگانه به عمل آمده که به مراتب از صورت‌بندی سنتی پیچیده‌تر، اما دقیق‌تر و موشکافانه‌تر است. در این صورت‌بندی آمده است که اگر فردی با تعارضی رو به رو شود که در آن وظیفه‌ای خاص دارد که کار خوبی انجام دهد و نیز وظیفه کلی و عمومی دارد تا از نتیجه بد اجتناب نماید و به عبارت دیگر، عمل بدی را که آسیب به همراه دارد مرتکب نشود، آنگاه او به لحاظ اخلاقی تنها در صورتی که شرایط هشت گانه زیر وجود داشته باشد، مسؤول عملی است که انجام می‌دهد (۱۵):

- ۱- این تعارض از عملی عمدی با حداقل دو اثر قابل پیش‌بینی ناشی می‌شود.
- ۲- عمل به خودی خود از نظر اخلاقی خوب و یا از نظر اخلاقی مباح است.
- ۳- تعارض به این دلیل حاصل می‌شود که ایجاد یک اثر عمدی به لحاظ اخلاقی خوب است، در حالی که ایجاد اثر عمدی دیگر اخلاقاً بد است.
- ۴- تمام ابزارهای منطقی دیگری که در دستیابی به اثر خوب با خطر کم‌تر موجب اثر بد می‌شوند، از دور خارج شده‌اند. به عبارت دیگر تنها عمل یا بهترین عملی که در آن شرایط می‌تواند انجام شود، همان است که در آن تعارض ایجاد می‌شود.
- ۵- اثرات خوب و بد هنگامی که اتفاق می‌افتند به شیوه عوامل مداخله‌گر پیش‌بینی نمی‌شوند.
- ۶- قصد قبلی فرد به بارآوردن اثر خوب است، در حالی که اثر بد پیش‌بینی شده بخشی از قصد او در عمل نیست.
- ۷- فرد در گزارش خود از قصد اصلی‌اش صادق و منطقی است به طوری که دست کم:
 - فعل قصدشده در واقع بیان دیگری از همان اثر بد نباشد.
 - اثر خوب بیان دیگری از همان اثر بد نباشد.

- اثر بد یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فعل قصدشده نباشد.
 - اثر بد به لحاظ زمانی - مکانی یکی از مؤلفه‌های اثر خوب نیست.
 - عمل قصدشده از نظر منطقی مستلزم اثر بد نیست.
 - اثر خوب از نظر منطقی مستلزم اثر بد نیست.
 - فاعل اخلاقی علاوه بر قصد اصلی خود، اثر بد را نیز قصد نکند.
 - اثر بد از نظر تجربی شرط علی ضروری برای اثر خوب نیست.
 - فاعل اثر خوب را از طریق اثر بد قصد نمی‌کند.
 - ۸- این که عمل بر مبنای تناسب اتفاق می‌افتد؛ به این صورت که می‌گوید:
 - اثر خوب متناسب با اثر بد است.
 - اهداف مورد توجه متناسب با اثرات مورد انتظار هستند.
- نکته تکمیلی دیگری که در صورت‌بندی جدید بر آن بسیار تأکید شده، این است که قصدها در ارزیابی اخلاقی افعال انسانی فوق‌العاده مهم‌اند. قصد، ستون فقرات عامل و فاعلی است که به انجام فعلی مبادرت می‌ورزد. هیأت منصفه انرژی زیادی را صرف این موضوع می‌کنند تا با استفاده از ارزیابی‌های پیچیده در مورد قصد متشاکمی، میان خودکشی، قتل و درجات قتل تمایز بگذارند. افعال انسانی صرفاً اتفاق نمی‌افتند، آن‌ها رخ می‌دهند، چون عاملان آن‌ها را به وجود آورده‌اند و عاملان، اعمال خود را از راه قصد انجام می‌دهند (۲). به عبارت دیگر می‌توان گفت نادیده‌گرفتن اهمیت قصدها در ارزیابی اخلاقی افعال انسانی، به منزله نادیده‌گرفتن آن ویژگی اساسی است که این رویدادها را در وهله اول، رویدادهای اخلاقی می‌سازد.
- نکته دیگری که در این میان لازم است بیان شود، این است که قصدها تقلیل‌ناپذیرند. برخی قصد را به باورها، برخی به انگیزه‌ها و برخی نیز به امیال تقلیل داده‌اند، اما همانطوری که عده‌ای از فیلسوفان اخلاق نظیر آنسکوم معتقدند، قصدها قابل تقلیل به باورها، انگیزه‌ها و امیال نیستند (۱۵). ما گاهی اوقات میل به چیزهایی داریم، اما آن‌ها را قصد نمی‌کنیم و برعکس. فرض کنید بیماری از سرطان سینه گسترده رنج می‌برد و دردی شدید و همیشگی دارد، به طوری که قسمتی از این درد با تجویز دارو توسط پزشک تسکین داده شده است، اما درد زیادی همچنان پابرجاست به گونه‌ای که تحمل آن برای بیمار، بسیار دشوار است. پزشک می‌داند که این بیماری و درد حاصل از آن درمانی نداشته و مردن برای او سزاوارتر است تا تحمل وضعیت

موجود. او ممکن است حتی برای مرگ بیمار دعا کند و حتی ممکن است مرگ بیمار را میل غالب خود بداند، اما با این وجود مرگ بیمار را قصد نمی‌کند، هرچند این میل، تصمیم پزشک را به لحاظ اخلاقی بسیار دشوار می‌کند. قصدها می‌توانند امیال را زیر پا بگذارند و این را می‌توان گواهی بر این گرفت که امیال، قصد نیستند (۱۵).

علاوه بر این، ما گاهی به چیزهایی باور داریم اما آن‌ها را قصد نمی‌کنیم و برعکس. در مثال قبل دیدیم که پزشک علاوه بر این که میل دارد بیمار بمیرد، نیز باور دارد که مرگ برای او بهتر است، اما با این وجود قصد نمی‌کند که موجب مرگ بیمار شود، پس قصد چیزی غیر از باور است و قابل تقلیل به آن نیست (۱۵).

و در نهایت قصد را نباید با انگیزه اشتباه گرفت. در واقع، همانطوری که دیویدسون می‌گوید، انگیزه دلیلی برای قصد است. هنگامی که در مورد قتلی که توسط یک شخص اتفاق افتاده است، تحقیق می‌کنند و آن‌ها معتقدند که قتل عمدی بوده است، کار را به همین جا خاتمه نمی‌دهند، بلکه به دنبال این می‌گردند که چرا شخص مذکور مرتکب همچون قتلی شده است. و این بدین معنی است که - همچنانکه گستافسن معتقد است - انگیزه‌ها آغازگر قصد هستند. به عبارت دیگر شخص با انگیزه خاصی قصد این قتل را کرده است. بنابراین قصدها نمی‌توانند انگیزه باشند و به آن تقلیل داده شوند (۱۴). از این رو قصدها در ارزیابی اخلاقی افعال انسانی نقش منحصر به فردی را ایفا می‌کنند، به طوری که آگاهی از قصد فرد به طور کامل می‌تواند بر قضاوت ما از عمل شخصی تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، ازدواج ادیپ با جاکاستا را در نظر بگیرید. اگر ادیپ می‌دانست که جاکاستا مادرش است و با این حال قصد کرد که با او ازدواج کند، ما حکم می‌کنیم که ادیپ شخص رذلی بوده است، اما اگر او به این موضوع آگاهی نداشته است، قضاوت ما به کلی چیز دیگری را راجع به او نشان می‌دهد (۱۱).

با این مقدمات می‌توانیم تمایزی را که اصل اثر دوگانه مؤسس آن است، مطرح نماییم؛ تمایزی که در موقعیت‌های بحرانی می‌تواند عاملان اخلاقی و نیز ناظران عامل را از دستپاچگی برهاند.

۱- تأکید بر تمایز میان آنچه قصد شده و آنچه پیش‌بینی شده است

در صورت‌بندی سنتی از اصل اثر دوگانه به طور ضمنی به تمایز میان آنچه قصد شده و آنچه پیش‌بینی شده، اشاره شده است، اما در صورت‌بندی جدید از اصل اثر دوگانه، به طور منسجم به آن پرداخته شده و در واقع یکی از کارکردهای اصلی اصل اثر دوگانه همین تمایز است.

هنگامی که فردی قصد پیشینی (Prior Intention) می‌کند تا برخی از رویدادها را به وجود آورد، تبعات گوناگون زیاد، توصیفات درست جایگزین و ارتباطات علی و معلولی زیادی که مرتبط با رویداد مذکور است، وجود دارد. بر این اساس، شخص باید حداقل سه نوع سناریو را در نظر بگیرد، یعنی هر مجموعه متفاوتی از ارتباطات میان قصد و علیت:

سناریوی ۱- «سناریوی زنجیره خطی علی (Linear Causal Chains)» است که به موجب آن P موجب R می‌شود و R موجب Q می‌شود. به عنوان مثال، شخصی قصد می‌کند که الکل بنوشد (P) به منظور این که الکل او را آرام کند (R)، اما او قصد نمی‌کند که این تجربه او را الکلی کند (Q).

$$P \rightarrow R \rightarrow Q$$

سناریوی ۲- بر اساس سناریوی دوم که «سناریوی شاخه‌های علی (Causal Forks)» است، P هم موجب Q می‌شود و هم موجب R. به عنوان مثال، پزشکی قصد می‌کند برای بیماری پنی‌سیلین تجویز کرده (P) به منظور این که گلودرد میکروبی را درمان کند (Q)، اما او قصد نمی‌کند که موجب ایجاد واکنش آنافیلاکتیک (شوک آلرژیک) در بیمار شود (R).

$$\begin{array}{c} Q \\ P \nearrow \rightarrow R \end{array}$$

سناریوی ۳- بر اساس سناریوی سوم که «سناریوی مسیرهای علی جایگزین (Alternative Causal Routes)» خوانده می‌شود، P هم موجب Q می‌شود و هم موجب R، اما در عین حال Q نیز موجب R می‌شود، مثلاً پزشکی قصد می‌کند پیوند مغز استخوان انجام دهد (P) برای این که سرطان خون را درمان کند (R)، اما او قصد نمی‌کند موجب بیماری GVHD شود (Q)، حتی اگر GVHD اثر ضد سرطانی عمیق داشته باشد (R).

$$\begin{array}{ccc} P & \rightarrow & Q \\ & \searrow & \swarrow \\ & & R \end{array}$$

بر اساس سناریوهای سه‌گانه مذکور، شرایطی را ذکر می‌کنیم که فرد به طور منسجم و موجه ادعا می‌کند که نتیجه خاصی از عمل عمدی خود را پیش‌بینی کرده اما آن‌ها را قصد نمی‌کند: اگر عامل S باور دارد که موقعیت‌های علی به گونه‌ای است که می‌توانند با هر یک از سناریوهای سه‌گانه نشان داده شوند، آنگاه برای او معقول و سازگار است که ادعا کند نتیجه Q

و R را از طریق هدف انتخاب شده برای عمل P پیش‌بینی می‌کند، اما با توجه به شرایط زیر تنها R را قصد می‌کند (۱۳):

۱- P و Q توصیف‌های قطعی جایگزین رویداد یکسان نیستند.

۲- R و Q توصیف‌های قطعی جایگزین رویداد یکسان نیستند.

۳- Q کاملاً به لحاظ زمانی و مکانی در P موجود نیست.

۴- Q کاملاً به لحاظ زمانی و مکانی یکی از مؤلفه‌های R نیست.

۵- P به طور منطقی مستلزم Q نیست.

۶- R به طور منطقی مستلزم Q نیست.

۷- Q قصد اضافی و ثانویه عامل (S) نیست.

۸- Q شرط علی ضروری تجربی برای R نیست.

۹- عامل (S)، R را به همان نحو که Q را قصد کرده است، قصد نمی‌کند.

بنابراین اگر این شرایط نه‌گانه لحاظ شوند، آنگاه برای عامل (S) معقول و سازگار است که ادعا کند در هر یک از سناریوهای مذکور با استفاده از P، R را قصد می‌کند، اما Q را قصد نمی‌کند. به نظر می‌آید شرایط نه‌گانه فوق درصددند تمام حالت‌های مفروضی را که در آن‌ها Q به وجود می‌آید، اما مورد قصد فاعل اخلاقی نیست، نشان دهد.

در نهایت باید تأکید کرد که داشتن گزارش معقول و سازگار از آنچه فرد پیش‌بینی کرده، اما قصد نمی‌کند، تنها یکی از شرایط اعتبار اصل اثر دوگانه بوده و برای توجیه عمل از لحاظ اخلاقی کفایت نمی‌کند، بلکه همچنین لازم است که فاعل اخلاقی، دیگر شرایط هفت‌گانه مذکور در بند ۶ را که برای اصل اثر دوگانه ذکر شده، در نظر گرفته و آن‌ها را اعمال کند (۱۵).

کارکردهای اصل اثر دوگانه

پیش از این بیان شد که باید در پس اصل اثر دوگانه حقیقتی نهفته باشد. شکی نیست که این امر به خاطر مواردی است که به عنوان نمونه‌هایی از کارکردهای اصل اثر دوگانه ذکر شده‌اند و با شهادهای اخلاقی و عقلانی ما سازگارند. این نمونه‌ها به طور قابل توجهی جاذبه شهودی دارند. در ادامه پاره‌ای از این موارد را نشان خواهیم داد:

- ۱- دو بمب افکن را در نظر بگیرید. یکی از آن‌ها هدفش آن است که شهروندان را کشته تا موجب تضعیف روحیه دشمن شود. در این حالت کشتن شهروندان نتیجه‌ای است که از ابتدا قصد شده است. بمب‌افکن دیگر هدفش بمباران اهداف نظامی است، اما پیش‌بینی می‌کند که بمباران کردن چنین اهداف نظامی‌ای، موجب مرگ شهروندان خواهد شد. بنابراین هنگامی که بمب‌های او شهروندان را می‌کشد این نتایج پیش‌بینی شده، اما قصد نشده است، حتی اگر مسلم باشد که این دو بمب‌افکن موجب مرگ شمار یکسانی از شهروندان می‌شوند، بر اساس اصل اثر دوگانه، بمباران بمب‌افکن اول غیر مجاز، در حالی که بمباران بمب‌افکن دوم مجاز خواهد بود (۶).
- ۲- پزشکی که قصد می‌کند با تزریق مقدار زیادی مورفین مرگ بیمار علاج‌ناپذیری را تسریع بخشد، غیر مجاز عمل می‌کند، زیرا او قصد مرگ بیمار را کرده است، اما پزشکی که با تزریق همان مقدار مورفین قصد می‌کند درد بیمار را تسکین بخشد و تسریع مرگ بیمار را صرفاً پیش‌بینی کرده است، عمل او مجاز است (۱۰).
- ۳- کشتن شخصی که می‌دانید برای شما توطئه کرده، غیر مجاز است، زیرا موردی از قتل عمدی محسوب می‌شود. با این حال، کشتن مهاجم در دفاع از خود مجاز است، زیرا شخص دفاع از خود را قصد می‌کند و مرگ مهاجم را تنها پیش‌بینی کرده است (۵).
- ۴- اگر شخصی را در مسیر ریل قطار بیندازیم به منظور این که قطار متوقف شده و از برخورد پنج نفر دیگر با قطار جلوگیری کنیم، عمل ما نادرست خواهد بود، زیرا مرگ آن شخص را قصد کرده‌ایم، اما اگر قطار برقی را از مسیر خود منحرف کرده و بر روی مسیر دیگری که جان یک نفر را خواهد گرفت هدایت کنیم، برای این که از مرگ پنج نفر که در مسیر اولیه قطار بوده‌اند جلوگیری کنیم، عمل ما درست خواهد بود، چراکه ما مرگ آن یک نفر را تنها به عنوان اثر جانبی نجات پنج نفر دیگر پیش‌بینی کرده‌ایم (۱۰).
- ۵- اصل اثر دوگانه می‌تواند میان خودکشی و ایثار تمایز بگذارد. خودکشی یک شخص و به خطر انداختن زندگی برای نجات دیگران تنها از طریق قصد قابل تمایز خواهد بود (۵). از این رو سربازی که خود را برای محافظت از دیگران از خطر انفجار روی نارنجک می‌اندازد، صرفاً مرگ خود را به عنوان اثر جانبی نجات زندگی دیگران پیش‌بینی می‌کند، اما آن را قصد نمی‌کند. در مقابل، شخصی که مرتکب خودکشی می‌شود، قصد دارد زندگی خود را به پایان برساند. در نتیجه، چون مرگ خود را قصد کرده است، برخلاف عمل سرباز، عمل او نادرست و غیر مجاز خواهد بود (۱۵).

۶- پزشکی که معتقد است سقط جنین نادرست است، با استفاده از اصل اثر دوگانه به منظور نجات زندگی مادر، مجاز است هیستروکتومی را بر روی زن باردار مبتلا به سرطان انجام دهد. در انجام هیستروکتومی، هدف پزشک نجات زندگی مادر است، در حالی که او مرگ جنین را صرفاً پیش‌بینی کرده است. از این رو عمل او مجاز خواهد بود (۱۵).

این موارد تنها گوشه‌ای از کارکردهای اصل اثر دوگانه در حوزه‌های گوناگون است که اجمالاً به آن‌ها اشاره شد. اصل اثر دوگانه در هر عملی که یکی از اثرات دوگانه آن قتل فرد و یا گروهی خاص باشد، می‌تواند به کار آید. حضور اصل اثر دوگانه در تردیدهای ما در ارتکاب اعمالی از این قبیل راه‌گشا خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در میان اصولی که در اخلاق کاربردی برای حل تعارضات اخلاقی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اصل اثر دوگانه از اهمیت بالایی برخوردار است. پایه‌ها و بنیان‌های این اصل عبارت است از: مفهوم قصد، اصل پذیرش و تمایز میان نتایج قصدشده و نتایج پیش‌بینی‌شده عمل. در تقریر سنتی این اصل که توسط منگان به طور نظام‌مند ارائه شده، چهار شرط برای آن ذکر شده است که عامل اخلاقی باید آن‌ها را در عمل رعایت نموده و نیز ناظران اخلاقی باید بر اساس آن‌ها در مورد درستی و یا نادرستی عمل عامل اخلاقی قضاوت نمایند. اصل اثر دوگانه مورد نقدهای زیادی واقع شده و استدلال‌هایی نیز برای آن ذکر شده است. یکی از کارکردهای اصل اثر دوگانه در حوزه اخلاق پزشکی است، چراکه در این حوزه، گاه با مواردی مواجه می‌شویم که پزشک فعلی را انجام می‌دهد که اثر جانبی آن مرگ یک انسان است. در اثر انتقادات و بدفهمی‌هایی که در طول تاریخ از این اصل صورت گرفته، تقریری جدید از آن مطرح شده است که از صورت‌بندی اولیه آن به مراتب پیچیده‌تر و دقیق‌تر است. این تقریر جدید، چهار شرط را به شرایط چهارگانه اولیه در صورت‌بندی سنتی اضافه کرده و نیز تمایز مطرح‌شده توسط اصل اثر دوگانه را منسجم‌تر نموده است. برخی این اصل را اصلی دانسته‌اند که در ارتباط با قضاوت در مورد درستی عمل نبوده، بلکه اصلی است که برای قضاوت در مورد فضیلت‌مندبودن و یا نبودن عامل اخلاقی کارایی دارد. به هر حال به نظر می‌رسد این اصل برای حل بسیاری از تعارضات اخلاقی راه‌گشاست.

References

1. Boyle JM. Praeter intentionem in Aquinas. *The Thomist*; 1978. 42: 649-665.
2. Chan DK. Intention and responsibility in double effect cases. *Ethical Theory and Moral Practice* 3, Kluwer Academic Publishers, Printed in the Netherlands; 2000. p.405-434.
3. C.E.Harris JR. *Applying moral Theories*, Published by Wadsworth Publishing Company; 2006. p.65-86.
4. Davis N. The doctrine of double effect: problems of interpretation. *Philosophical Quarterly* 1984; 65: 107-123.
5. Jackson DM. Double Effect. In *Encyclopedia of Global Justice*, edited by Deen K. Chatterjee. USA: Department of Philosophy, University of Utah, Salt Lake City; 2011. p.268-269.
6. Hills A. Intentions, Foreseen Consequences and the Doctrine Of double effect. *Philosophical Studies*; 2007. pp: 257-283.
7. Knauer P. The Hermeneutical Function of the Principle of Double Effect. Edited by CE Curran and RA McCormick. New York: Paulist Press; 1979. p.1-39.
8. Levy SS. The Principle of double effect. Department of History and Philosophy, Montana State University, *The Journal of Value Inquiry* 20, Martinus Nijhoff Publishers, Printed in the Netherlands, 1986. p.29-40.
9. McIntyre A. Doing away with double effect. *Ethics* 2001; 111(2): 219-255.
10. McIntyre A. The doctrine of double effect. In *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, First published Wed Jul 28; substantive revision Tue Sep 23; 2004.
11. Mulgan T. *Understanding Utilitarianism*. Printed and bound by Cromwell Press; 2007. p.37-46.
12. Quinn W. Actions, intentions and Consequences. *The Doctrine of Double Effect*, *Philosophy and Public Affairs*; 1989. 18: 334-351.
13. Solomon WD. Double effect. 2th ed. In: Becker, Lawrence C, Becker, Charlotte B, *Encyclopedia of Ethics*, Routledge; 2001. p.87-95.

14. Spielthener G. The principle of double effect as a guide for medical decision-making. *Med Health Care and Philos*, Published online; 2008; p.465-473.
15. Sulmacy DP. Reinventing the rule of double effect. Edited by Bonnie Steinbock. In the *oxford handbook of Bioethics*. New York: Published in the United States by Oxford University Press Inc; 2007. p.114-149.
16. Tully PA. The doctrine of double effect and the question of constraints on business decisions. *Journal of Business Ethics* 2005; 58: 51-63.